

ارتباطات بین‌دانشگاهی و نقش آن در گسترش همکاری‌های فرامرزی

علی خورسندی طاسکوه^۱

عضو گروه توسعه علوم انسانی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

محمدجواد لیاقتدار^۲

عضو گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

چکیده

زیستن در عصر صورت‌بندی‌های نوین اجتماعی، بدون ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. امروزه دستیابی به پیشرفت و توسعه نیز مستلزم برخورداری از سطحی مؤثر از همکاری‌ها و تعاملات برون‌مرزی است. از لحاظ فلسفی و تاریخی، نهاد دانشگاه، هم از منظر کارکردی و هم از منظر رویکردی، دارای سابقه‌ای طولانی در زمینه ارتباطات، تبادلات و نزدیکی ملت‌ها و فرهنگ‌ها به شمار می‌رود. یکی از مؤلفه‌های مهمی که امروزه می‌تواند به شکل روشمند و علمی، موجب نزدیکی عناصر مختلف تمدنی و فرهنگی شود، مبادلات بین‌دانشگاهی است. مقاله پژوهشی تحلیلی پیش رو، درصدد پاسخگویی به این پرسش محوری است که با بازشناسی و تقویت کدام یک از نشانگرهای دانشگاهی می‌توان به سطح بالاتری از همکاری‌های فرامرزی بین‌دانشگاهی دست یافت. روش پژوهش این مقاله، توصیفی و از نوع پیمایشی است و جامعه آماری آن را اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی ایران تشکیل داده‌اند. همچنین از روش گردآوری اطلاعات کیفی نیز استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تکنیک‌های آماری، در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره برده‌ایم.

واژگان کلیدی: دانشگاه، همکاری‌های فرامرزی، مبادلات علمی و فرهنگی، استادان دانشگاهی،

کارکردهای فرامرزی

1 - khorsandi@gmail.com

2 - Mjavad-liaghatdar@yahoo.com

مقدمه

به رغم تنوع مکتب‌ها و سنت‌های فکری، از دیرزمان دو سنت فکری بر دانشگاه حکمفرما بوده است. نخستین سنت فکری که پارادایم غالب بوده و سابقه طولانی تری دارد، معتقد است هدف دانشگاه و ساختارهای آکادمیک، پرورش و شکوفایی انسان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است؛ طبق این سنت فکری، نهاد آموزش به طور عام و نهاد دانشگاه به طور خاص، در ابعاد متنوع خود، نقش ابزاری دارند و هدف آن‌ها رشد و شکوفایی انسان است. این نگرش، تا عصر روشنگری، سنت فکری غالب بر نظام‌های آموزشی و ساختارهای دانشگاهی بود. دومین سنت فکری، انسان را ابزاری می‌داند که باید به وسیله نظام آموزشی برای تحقق اهداف و رسالت‌های معین تربیت شود. این سنت فکری حاصل جریانی است که طی دوره مدرنیته بر روابط دانشگاه و دولت حاکم بوده است. در این جریان، نهاد دولت منابع مالی و کالبدی نهاد دانشگاه را تأمین می‌کرد و نهاد دانشگاه نیز در مقابل، نیروی انسانی و تکنیسین‌های مورد نیاز دولت و نهادهای دولتی را تربیت می‌نمود.

به هر حال، دانشگاه هر رسالتی که داشته باشد، دو تلقی مفهومی از آن وجود دارد. مفهومی اول، مفهوم «نهادی» دانشگاه است. در این مفهوم، از دید تاریخی، دانشگاه نهادی است که میان گفتمان‌های موجود در جامعه، به ویژه میان دانش به منزله یک گفتمان آکادمیک و ساختارهای فرهنگی جامعه، وساطت یا نوعی تعامل و تعادل برقرار می‌کند. بر اساس این دیدگاه، نقش اصلی نهاد دانشگاه مربوط به ارتباطات بازتابی^۱ و شهروندی است؛ این نقش به ویژه در شرایط امروز، توضیح و تبیین شهروندی فناوریک و فرهنگی را نیز پوشش می‌دهد (دلانتي، ۱۳۸۶: ۱۴). مفهوم دوم، مفهوم «ساختاری» دانشگاه است. در این مفهوم، دانشگاه بر سازمان‌ها و مؤسساتی دلالت دارد که در آن‌ها آموزش‌های عالی و پژوهش‌های علمی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، امروزه لفظ «دانشگاه» به لحاظ ساختاری بر یک سازمان علمی یا مؤسسه آموزش عالی دلالت دارد که از چند دانشکده و چندین گروه آموزشی تشکیل شده است و این سازمان‌ها یا مؤسسات آموزش عالی با نام‌های مختلف دانشگاه، کالج و مراکز آموزش عالی، به صدور طیف گسترده‌ای از گواهینامه‌ها، مدارک و مدارج تحصیلی عالی در سطوح مختلف کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اقدام می‌کنند.

ساختارها و کارکردهای نو در دانشگاه

دانشگاه امروزی هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ کارکردی دچار تغییر و تحول شده است. امروزه، نهاد دانشگاه، ساختارها، فرایندها و شیوه‌های متعارف سنتی در سیاست‌گذاری،



برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزشیابی را همراه و همزمان با تغییر پارادایم در نظام‌های آکادمیک و پیدایش فضاها و ساختارهای جدید آموزش عالی پشت سر گذاشته است؛ ساختارهای جدید مدیریتی در آموزش عالی، سرشتی انعطاف‌پذیر، مشارکت‌جو و مشتری‌محور دارند. در چنین شرایطی، پیوند و رابطهٔ مرسوم و مدرن میان نهاد «دانشگاه» و نهاد «دولت» تقلیل می‌یابد و نهاد دانشگاه هر روز «خودسامانده» تر و «خودفرمانده» تر می‌شود. به عبارت دیگر، هم‌اکنون نهاد دانشگاه بیش از هر زمانی به سمت آزادی علمی، استقلال آکادمیک و فراملیتی بودن پیش می‌رود. در نتیجه، ساختارهای دانشگاهی، دیگر سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و فرایندهای ثابت و چارچوب سنتی و متعارف را دنبال نمی‌کنند، بلکه ورودی‌ها و دروندا‌های متنوع و متفاوتی دریافت می‌کنند و خروجی‌ها و بروندا‌های متنوع و متکثری نیز عرضه می‌کنند.

در حقیقت، امروزه نهاد دانشگاه به سطحی از خودآگاهی و هوشیاری رسیده است که ایجاب می‌کند برای ارائهٔ دانش‌ها و آموزش‌های جدید در بازار رقابت، از آزادی و استقلال آکادمیک بیشتری برخوردار باشد. «نظام‌های دانشگاهی، امروزه مجبورند دست به بازنگری، تقویت و تأسیس کالج‌هایی بزنند که قدرت چالش دارند و از ریسک‌پذیری استقبال کنند و به طور مستمر درصدد درنوردیدن مرزهای جدید باشند» (کلاین^۱؛ ۲۰۰۴: ۲۳). اشناپدر و شوئنبرگ^۲ (۱۹۹۸)، به لحاظ تاریخی این دوره از آموزش عالی را «دورهٔ دگرگونی» نام نهاده‌اند. از نظر آنان، جهت‌گیری و دامنهٔ این دگرگونی، محدوده‌ای شامل ساختارهای مرسوم و رشته‌محور در برنامهٔ درسی به سمت بازسازی و بازنگری رشته‌های سنتی به ساختارهای میان‌رشته‌ای را در بر می‌گیرد. این امر بیش از همه، به بازنگری در برنامه‌های آموزش عمومی و گسترش آموزش‌های آزاد بر اساس تفکر و رویکرد میان‌رشته‌ای معطوف است.

به نظر گییسون (۱۹۸۴)، به نقل از دلانتی، (۱۳۸۶: ۱۹) الگوی جدیدی از دانش به نام الگوی دوم در حال جایگزینی با الگوی اول (در ارتباط با مدرنیتهٔ سازمان‌یافته) است. الگوی دوم دانش با حجم انبوه تولیدکنندگان دانش که بر اساس درخواست‌های ارائه شده به خود فعالیت می‌کنند، توصیف می‌شود. در این وضعیت، دانشگاه که با دسته‌ای از تولیدکنندگان جدید دانش وارد چالش شده است، جایگاه خود را به عنوان مکان اصلی و مهم تولید دانش از دست می‌دهد. در شرایطی که چندرشته‌گرایی در حال تبدیل شدن به پدیده‌ای رایج و پدیدهٔ پسارشته‌گرایی در حال مسلط شدن بر جهان دانش است، مرز میان رشته‌ها روز به روز تاریک و نامشخص‌تر می‌شود (ترنر، ۱۹۹۹، به نقل از دلانتی، ۱۳۸۶: ۱۹).



1 - Klein

2 - Schneider and Shoenberg

یکی از تغییرات مهم در ساختارهای جدید آموزش عالی، از بین رفتن دوگانه‌انگاری‌های سنتی و مرسوم میان دو مقوله اصلی آموزش عالی، یعنی آموزش^۱ و پژوهش^۲ است (گاف، ۱۹۹۷: ۶۸۹). در این ساختار مرزهای مرسوم میان دو کارکرد اصلی آموزش عالی از بین می‌رود. به عبارت دیگر، در ساختار جدید آموزش عالی، «آموزش» کارا و اثربخش به «پژوهش» بهره‌ور بستگی دارد. این به آن معنی است که در حال حاضر برنامه‌ها و فرایندهای آموزشی بر ساختارهای علمی پژوهش محور و پرسش محور استواراند. در سطحی وسیع‌تر، ساختارهای جدید آموزش عالی، تحت تأثیر ساختارهای جدید گفتمان دانش قرار دارند. نیکولسکو معتقد است فضاهاى جدید دانش در حال بازگشایی و گسترش‌اند. فضاهاى جدید دانش ضمن این که دریچه‌های جدیدی را به روی دنیا و خود می‌گشایند، متضمن نوعی تجارب زیسته^۳ نیز هستند. به یک اعتبار، فضاهاى جدید دانش مسیرهای «خوددگرگونی»^۴ به سوی «دانش خود»^۵، اتحاد همه دانش‌ها و خلق هنرهای (شیوه‌های) جدید برای زندگی هستند (نیکولسکو، ۱۹۹۱: ۷).



از نظر دلالتی (۱۳۸۶: ۷)، مهم‌ترین تحولات الگوی فعلی دانش در چهار بخش قابل طرح است. نخست، آن که پیمان تاریخی دولت و دانش که در اواخر قرن هفدهم استقرار یافت، به کندی در حال از میان رفتن است. دوم، آن که جامعه معاصر به سمت وابستگی بیش از پیش به دانش، به ویژه در بخش تولید اقتصادی، مقررات سیاسی و زندگی روزمره پیش می‌رود. سومین تحول مهم در الگوی دانش، آن است که در نتیجه آموزش توده‌ها، اعتراضات اجتماعی، بروز جنبش‌های جدید اجتماعی و همچنین ظهور انواع جدیدی از فناوری‌های اطلاعاتی، دانش بیش از گذشته در جامعه گسترش یافته است. آخرین تحول شامل دموکراتیزه شدن حوزه دانش به دنبال گسترش اعتراض‌پذیری در این حوزه است.

در خصوص کارکردهای نهاد دانشگاه، باید به این نکته توجه داشت که دانشگاه، به مثابه یک نهاد علمی، اجتماعی و فرهنگی، در ادوار مختلف دارای کارکردهای «نهان و آشکار»^۶ فراوانی بوده است. کارکردهای دانشگاه دو دهه اخیر، به تناسب پیدایش مسائل و انتظارات

- 1 – Time of Transformative
- 2 – Education
- 3 – Research
- 4 – Lived Experiences
- 5 – Selftransformation
- 6 – Nicolescu
- 7 – Latent and Manifest Functions

جدید، با تغییراتی مواجه بوده است. امروزه کارکردهای آموزش عالی از وضعیت تک‌کارکردی به وضعیتی چندکارکردی تغییر شکل یافته‌اند. همانگونه که دیکنسون (۱۹۹۹) می‌گوید، «هدف‌ها، مأموریت‌ها و کارکردها در آموزش عالی به طرز غیر قابل باوری مبهم و پیچیده هستند.» بنابراین، مدیریت دانشگاه از سویی به مثابه مدیریت یک نهاد ملی و از سوی دیگر به منزله مدیریت یک اجتماع فراملی، همواره با شرایط مبهم و پیچیده‌ای مواجه است و باید با اتخاذ راهبردها و برنامه‌های مناسب در مسیر تحقق اهداف و مقاصد گام بردارد که حیات آن‌ها به او وابسته است. ظاهراً این آرمان‌ها، مقاصد و اهداف، نشان‌دهنده نیازهای واقعی و انتظارات منطقی نهادها و شهروندان هر جامعه از دانشگاه است، نیازهایی که مدیریت دانشگاه در صدد تحقق آن‌هاست، گرچه در اصالت و اعتبار این گزاره، تشکیک و تردید وجود دارد. به هر حال، راهبری نهاد دانشگاه امری خطیر و پیچیده به شمار می‌رود.

در فضاهاى جدید دانش، دانشگاه چندین وظیفه مهم یادگیری و آموزشی دارد (مک گرگور، ۲۰۰۳: ۲۴). نخستین وظیفه دانشگاه «یادگیری برای دانستن»^۱ است. یادگیری برای دانستن به نوعی از آموزش اشاره دارد که هدفش طرح پرسش‌های دائمی و مستمر درباره موضوعات، پدیده‌ها، مفاهیم و مفروضات پیرامون انسان و تلاش برای شناخت و حل آن‌هاست. یادگیری برای دانستن، نخستین گام یادگیری در عصر جدید است که کیفیت یادگیری‌های بعدی بر روی آن استوار می‌شود. دومین وظیفه و کارکرد نظام‌های آموزشی «یادگیری برای انجام دادن»^۲ است. این کارکرد به آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی اشاره دارد، مهارت‌هایی که فراگیران باید پس از اتمام تحصیلات عالی از آن برخوردار باشند. این به آن معنی است که فراگیران در کنار تسلط بر مهارت‌ها و شایستگی‌های مختلف اجتماعی و ارتباطی، باید به لحاظ حرفه‌ای و تخصصی، مهارت و ظرفیت پذیرش یک حرفه اجتماعی و تخصصی را داشته باشند. از سوی دیگر، یادگیری شامل به کار بستن نوعی خلاقیت در برنامه‌های آموزشی و درسی فضاهاى دانشگاهی به منظور ظرفیت‌سازی و کارآفرینی در فراگیران نیز می‌شود.

«یادگیری برای بودن»^۳ تنها به معنی یادگیری برای چگونه زیستن یا یادگیری برای چگونگی محافظت از حیات زیستی خود نیست؛ بلکه بیشتر به این معنی است که یاد بگیریم چگونه تنش‌ها و کشمکش‌های موجود میان عوامل و متغیرهای درونی (خود) و عوامل و متغیرهای بیرونی (زندگی اجتماعی) را مدیریت کنیم. به عبارت دیگر، یادگیری برای بودن به این معنی

1 – McGregor

2 – Learning to Know

3 – Learning to Do

4 – Learning to Be



است که با توجه به تغییرات، تحولات و تکامل طبیعی و تدریجی اجتماعات، چگونه می‌توانیم بنیان‌های معرفتی و باورهای خود را پیوسته مورد پرسش و انتقاد قرار دهیم تا کنش و رفتارهای خودمان را بهتر و دقیق‌تر بشناسیم، بفهمیم و میان درون و برون، نوعی سازگاری ایجاد کنیم. از سوی دیگر، برخی معتقدند هنوز تغییر و دگرگونی در تمام سطوح و بخش‌های نظام‌های آکادمیک رخ نداده است، بلکه تنها عناصر و بخش‌هایی از نهاد دانشگاه از تغییر و تحول استقبال کرده‌اند. به عقیده طرفداران این ایده، بیشترین تغییر در فرایندهای آموزشی و برنامه‌های درسی اتفاق افتاده که آن هم ناشی از عوامل بیرونی نظیر مسائل و موضوعات پیچیده و چندوجهی، فشارهای اجتماعی و انتظارات مشتریان است. به عبارت دیگر، در فرایندهای مدیریتی و سیاستگذاری نهاد دانشگاه، اتفاقات گسترده‌ای که بتوان آن‌ها را «دگرگونی» نامید، اتفاق نیفتاده است؛ تنها در نوع تفکر دانشگاه، رویکردها و شیوه‌های آموزشی و برنامه‌های درسی آن تغییراتی شکل گرفته که می‌توان آن را در قالب ساختارهای میان‌رشته‌ای دانشگاه تجزیه و تحلیل کرد. در حقیقت، دانشگاه به مثابه یک نهاد مدرن همچنان در «ساختار و مدیریت» خود محافظه‌کار است، اما در کارکردها، مأموریت‌ها، فرایندها، شیوه‌ها و روش‌ها، تغییرات و تحولات مهمی را پذیرفته است.



الیزابت مینیچ^۱ (۱۹۹۵)، آکادمی جدید را نوعی «جنبش فراگیر»^۲ تعریف می‌کند که در حاشیه‌ها رشد کرده و در گروه‌های آموزشی سنتی گسترش یافته است. از نظر مینیچ، تغییر و دگرگونی در ساختارهای دانشگاهی چشمگیر نیست، ولی بیشترین تغییرات و تحولات در بخش‌ها و عناصر فرایندی و آموزشی دانشگاه، از قبیل شیوه‌های جدید تفکر، باز ترکیب و بازطراحی ساختارهای رشته‌ای در ساختارهای میان‌رشته‌ای جدید، فرایندهای جدید آموزش و تدریس (یاددهی یادگیری) و تغییر در روش‌های یادگیری و پیدایش اشکال جدید دانش اتفاق افتاده است. از این رو مینیچ معتقد است توسعه و گسترش «آکادمی جدید» از اساس و از نو^۳ اتفاق نمی‌افتد، بلکه در درون ساختارهای دانشگاهی بزرگ و غیرمتمرکز^۴ که دارای کالج‌ها و دانشکده‌های متعدد هستند، شکل می‌گیرد.

با وجود این، اکثریت صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان آموزش عالی و دانشگاه معتقدند نهاد دانشگاه در دهه‌های اخیر با تغییرات و دگرگونی‌های بنیادی مواجه شده است. به زعم بیل

1 – Elizabeth Minnich

2 – Broad-Based Movement

3 – De Novo

4 – Multiversities

ریدینگ^۱ (۱۹۹۵)، ما شاهد تغییر در ساختار و کنش دانشگاه به عنوان یک نهاد هستیم؛ دیگر مشخص نیست جایگاه دانشگاه در درون جامعه چیست، حتا روشن نیست ماهیت خود جامعه چیست. شکل نمادین در حال تغییر دانشگاه چیزی است که متفکران نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. به نظر دلانتی، دانشگاه در جریان عقلانی کردن دانش به تدریج موجودیت خود را به مخاطره می‌افکند، چرا که یکی از ابعاد عقلانی کردن دانش، افزایش بازتاب‌پذیری^۲ است. امروزه دانشگاه با اتخاذ موضعی بازتابی و انعکاسی در تولید دانش، به کانون بحث در مورد معنای دانش و مدرنیته تبدیل شده است. شک و تردید معرفت‌شناختی موجود در علم به خوبی در بحران هویت دانشگاه و مدیریت مخاطرات، انعکاس یافته است (دلانتی، ۱۳۸۶: ۶).

به هر صورت، مهم‌ترین دگرگونی‌ای که در آکادمی جدید رخ داده، در حوزه فضاها و قلمروهای شناختی و اجتماعی دانش است که با نظریه‌ها، سبک‌ها و شیوه‌های جدید تولید دانش مشخص می‌شوند. فضاها و قلمروهای دانش در آکادمی جدید مشتمل بر حوزه‌های جدید دانش هستند که «مهم‌ترین آن‌ها دانش‌هایی از قبیل مطالعات پسااستعماری، مطالعات قومی و نژادی، مطالعات زنان، معرفت‌شناسی فمینیست^۳، مطالعات صلح، مطالعات محیط‌زیست و استعاره‌های عقلانیت اکولوژی، مطالعات فرهنگی، مطالعات جامعه، علم و فناوری یا اس‌تی‌اس می‌باشند» (کلاین، ۲۰۰۴: ۱۴). به عبارت دیگر، فضاها و قلمروهای جدید دانش در آکادمی جدید، میان‌رشته‌ای هستند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که اگرچه همه فضاها شناختی آکادمی جدید، سرشت و خصلتی میان‌رشته‌ای دارند، اما سبک‌ها و گونه‌های میان‌رشته‌ای آن‌ها کاملاً شبیه یکدیگر نیستند و به لحاظ گونه‌شناسی، در قلمرو گونه خاصی از تفکر میان‌رشته‌ای جای می‌گیرند.

دانشگاه ایرانی و کارکردهای فرامری آن

به موازات پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری و ابتکار صناعات و فناوری‌های جدید ارتباطی، ارزش و کیفیت ارتباطات در جوامع انسانی، پیوسته رو به رشد و گسترش بوده است. در گذشته‌های دور، اگرچه ارتباطات علمی و فرهنگی به شکل سنتی و متعارف در پیوند بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده، اما در حقیقت، از اواسط قرن گذشته بود که در پی توسعه مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی و نیز نظریه‌های جدید ارتباطی، ارتباطات میان‌دانشگاهی نقشی کانونی و بی‌بدیل یافتند. مطالعه و تحلیل رویکردهای نظری و تجربی

1 – Riding

2 – Reflexivity

3 – Feminist Epistemologies



موجود در سطح جهانی، مبین این واقعیت است که دانشگاه به عنوان یک نهاد ملی اثرگذار، طی دهه‌های گذشته، نقش‌های ارتباطی گسترده‌ای در شکل‌گیری نهاده‌ها و تجارب موفق بین‌المللی در زمینه‌ی نزدیکی ملت‌ها و فرهنگ‌ها داشته است، تا جایی که امروزه این وجه از اعتبار و کارکرد دانشگاه اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار است.

یکی از وظایف اصلی دانشگاه‌های مدرن، علاوه بر ایفای نقش‌های تخصصی و آکادمیک، ایفای نقش‌های فرهنگی و همکاری‌های بین‌المللی است. در بند ۴ وظایف مهم و کلیدی دانشگاه در گزارش کمیسیون بین‌المللی تعلیم و تربیت برای قرن ۲۱ به یونسکو (۱۳۷۶: ۱۵۷) آمده است «دانشگاه‌ها بایستی همکاری بین‌المللی داشته باشند و به عنوان نهادهای کاملاً مستقل و مسئول قادر به بازگویی مسائل قومی و اجتماعی نیز باشند و با به کارگیری نوعی نفوذ فکری، با مساعدت جامعه بین‌الملل این مسائل را بازتاب داده و درک و حل نماید.»

در تعریف مدرن، دانشگاه افزون بر کارکردهای آشکار و متعارفی مانند آموزش و پژوهش، کارکردهای فرهنگی و اجتماعی متعددی دارد. دانشگاه‌های ایران نیز از این تعریف مستثنی نیستند و علاوه بر کارکردهای متعدد علمی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و سیاسی، دارای ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری‌ها و ارتباطات بین‌المللی هستند؛ با توجه به این که در سال‌های اخیر کشور ما منادی ایده‌های ارتباطی بین‌فرهنگی و بین‌تمدنی نو بوده است، دانشگاه ایرانی پژوهشاً از استعداد تبدیل شدن به منشور همکاری‌ها و مبادلات فرامرزی بین فرهنگ‌ها و ملت‌ها برخوردار است.

«امروزه نسبت به مفاهیم عامی همچون فرهنگ و هویت‌های متعارف، تغییر نگرش پیدا شده است و برنامه‌های آموزشی و درسی در عین این که به بومی شدن و محلی بودن گرایش یافته‌اند، به سمت نوعی فرامرزی شدن و جهانشمول‌تر شدن پیش رفته‌اند» (رات کلیف و گاف، ۱۹۹۷: ۷۰۱). امروزه مؤسسات آموزش عالی به طور عام و دانشگاه‌ها به طور خاص، برای بهره‌گیری از پدیده جهانی شدن به عنوان ابزاری برای از میان بردن فاصله دانش از طریق تقویت مبادلات علمی، فرهنگی و آموزشی میان ملل، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، دارای جایگاه مطلوبی هستند. تعامل و همکاری استادان و پژوهشگران دانشگاهی که در یک حوزه علمی و پژوهشی خاص فعالیت می‌کنند، مرزهای متعارف و سنتی ارتباط را در می‌نوردد و مسیرهای ارتباطی ویژه‌ای را برای نزدیکی ملت‌ها و فرهنگ‌ها فراهم می‌سازد. با توجه به فرامرزی بودن علم، پژوهش و دستاورهای علمی و پژوهشی، دانشگاه به مثابه کانون تولید علم و تربیت‌کننده پژوهشگر، کانال فرامرزی بسیار مناسبی برای نزدیکی ملت‌ها و فرهنگ‌ها تلقی می‌شود. به



عبارت دیگر، دانشگاه‌ها به دلیل استقلالی که دارند و نیز به دلیل ماهیت درونی‌شان، بیشتر از سایر ساختارهای اجتماعی با دنیای اطراف خود ارتباط دارند.

در طرح پیش‌نویس راهبرد میان‌مدت یونسکو (۲۰۰۷-۲۰۰۲) نیز پیشبرد تنوع و همکاری در آموزش عالی و افزایش و تقویت مناسبات میان تنوع فرهنگی و تنوع زیستی، شالوده‌کلیدی توسعه پایدار نامیده شده و سیاست‌های فرهنگی و همکاری‌های بین‌المللی در توزیع دانش، برنامه‌های اصلی قلمداد شده‌اند (یونسکو، ۱۳۸۲). در سطح کلان، گسترش همکاری‌ها و مبادلات فرامرزی و بین‌المللی دانشگاهی، مستلزم مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی آموزشی است. اگر رهیافت‌های جامعه‌شناختی و فلسفه اجتماعی مدرن را مد نظر قرار دهیم، تعاملات و همکاری‌های فرامرزی در همکاری و گفت‌وگوی نهادهای آموزشی بین‌ملتها و فرهنگ‌های گوناگون، گام نخست به شمار می‌رود، چرا که مدارس و دانشگاه‌های مدرن، در نزدیکی جوامع، ملتها و فرهنگ‌ها نقشی اثرگذار ایفا کرده‌اند. در این راستا استادان، پژوهشگران، اندیشمندان و نخبگان فرهنگی و دانشگاهی را باید پیشگامان فکری هر ملت و فرهنگی در نزدیکی بین‌ملتها و فرهنگ‌ها دانست.

بی‌شک، دانشگاه در ایران از سابقه‌ای قابل اعتنا برخوردار است. بعضی از صاحب‌نظران، دانشگاه جندی‌شاپور را قدیمی‌ترین دانشگاه جهان قلمداد می‌کنند. دانشگاه جندی‌شاپور در سال ۲۷۱ پس از میلاد و در دوره ساسانی بنیان نهاده شد و علاوه بر آموزش، کارکردهای دیگری نیز داشت. در این دانشگاه پژوهش و حلقه‌های علمی از اهمیت خاصی برخوردار بودند و اندیشمندان و دانشمندان ایرانی به همراه اندیشمندان و دانشمندان هندی، یونانی و رومی به فعالیت‌های پژوهشی و علمی می‌پرداختند. چنان که در منابع تاریخی مثبت است، هنگامی که مدرسه آن در سال ۵۲۹ میلادی تعطیل شد، بسیاری از فیلسوفان و دانشمندان یونانی به این دانشگاه سفر کردند. متقی (۱۳۷۹) می‌نویسد در این دانشگاه که در فاصله سال‌های ۳۸۰-۳۴۹ پیش از هجرت بنا شده، با تلفیق نکات مثبت روش‌های یونانی و هندی، قوانینی وضع شد که در دنیای آن روز، روش نوین علم پزشکی بود و تا پنج قرن گهواره علوم پزشکی، فلسفه، نجوم و ریاضیات به شمار می‌رفت.

چنان که مشهود است، اساساً دانشگاه جندی‌شاپور رویکردی بین‌فرهنگی و فرامرزی داشته و در عصر خود، محل آمد و شد دانشمندان، اندیشمندان و نخبگان علمی و فرهنگی ملتها و فرهنگ‌های مختلف بوده است. از سوی دیگر، کارکرد فرامرزی و ارتباط و مبادله بین‌دانشگاهی، در ابعاد خاص آن (علمی، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی)، در همان آغاز تأسیس دانشگاه مدرن در ایران، یکی از کارکردهای «آشکار» و تعریف‌شده به شمار رفته است. در بین دانشگاه‌های جدید، دانشگاه شیراز یکی از پیشگام‌ترین دانشگاه‌های ایران در برقراری ارتباطات





و تعاملات فرامرزی بین‌دانشگاهی است. «دانشگاه شیراز با همکاری دانشگاه پنسیلوانیا، حتا تا رفت و آمد متقابل دانشجو گسترش یافت... دانشگاه فارابی (فرهنگ و هنر) نیز دارای ارتباطات بین‌المللی بوده و استادان و دانشجویان در رفت و آمد بودند. این دانشگاه برنامه‌هایی داشت که دانشجویان آن در کنار فرهنگ ایرانی اسلامی درباره فرهنگ‌های چین، هند و مدیترانه به تحصیل و پژوهش بپردازند» (فراستخواه، ۱۳۸۳، به نقل از ذاکر صالحی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

هم‌اکنون در اکثر دانشگاه‌های کشور، دفاتری برای توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی وجود دارد. همچنین در ستاد وزارت علوم، پژوهشات و فناوری، یک اداره کل برای حمایت از این همکاری‌ها تأسیس شده است. علاوه بر آن، انجمن‌های علمی و مؤسسات پژوهشی بخش خصوصی نیز با جهان خارج ارتباطات علمی دارند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳). اما با توجه به این که عصر ما، عصر ارتباطات و تعاملات نام‌گرفته و ارتباطات و مبادلات در ابعاد مختلف فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بین جوامع و ملت‌ها گسترش یافته و با توجه به این که در ربع قرن انقلاب اسلامی، بیش از صدها موافقتنامه و تفاهم‌نامه بین دانشگاه‌های ایران و جهان به امضا رسیده و تفاهم‌نامه‌ها (M. O. U) و «خواهر خواندگی»‌های متعددی میان دانشگاه‌های ایران و جهان عقد شده است، باید اعتراف کرد وضعیت ارتباطات فرامرزی دانشگاه‌های امروز ایران با دانشگاه‌های درجه یک و دارای رنکینگ بالای علمی و آموزشی، نسبت به سابقه و تجارب تاریخی آن، چندان اثربخش، رضایت‌بخش و موفق ارزیابی نمی‌شود. کارگزاران نظام اجتماعی در جوامع مختلف، امروزه به خوبی می‌دانند که موفقیت در عصر رقابت‌های فرامرزی، بدون برخورداری از سازمان‌های نظام‌مند علمی و آموزشی ملی که دارای کارکردهای بین‌المللی نیز باشند، مقدور نیست. بر این اساس، مدیران نظام‌های آموزشی بسیاری از کشورهای جهان، در اهداف و فرایندهای نظام آموزشی خود، بازنگری و بازنمایی کرده‌اند یا در حال انجام آن هستند.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف این مقاله، بررسی و تحلیل نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها پیرامون میزان تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی دانشگاه‌ها در گسترش مبادلات و همکاری‌های فرامرزی بین فرهنگ‌ها و مقایسه نظرات آنان بر حسب متغیرهای جنسیت، مدرک تحصیلی، سنوات خدمتی، مرتبه دانشگاهی، محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی و دانشگاه محل تدریس است.

دو پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

(۱) چه نشانگرهای ارتباطی علمی فرهنگی بین‌دانشگاهی در توسعه همکاری و ارتباطات

بین فرهنگ‌ها تاثیرگذار هستند؟

(۲) بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به عوامل دموگرافیک، تا چه میزان تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع «توصیفی»^۱ است و با روش «پیمایش»^۲ اجرا شده است. جامعه آماری این پژوهش، از اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی ایران تشکیل شده است. تعداد افراد جامعه آماری به تفکیک زن و مرد در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد جامعه آماری بر حسب مرتبه علمی به تفکیک جنسیت

مرتبه علمی جنسیت	مربی آموزشیار		مربی		استادیار		دانشیار		استاد		جمع	
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	کل
مرد	۱۵۶	%۳/۲	۱۹۲۸	%۳۸/۹	۱۵۶۵	%۳۱/۶	۲۶۷	%۵/۴	۱۴۲	%۲/۹	۴۰۵۸	%۸۲
زن	۳۴	%۰/۷	۴۲۶	%۸/۶	۳۴۳	%۶/۹	۵۸	%۱/۲	۳۱	%۰/۶	۸۹۲	%۱۸
جمع	۱۹۰	%۳/۹	۲۳۵۴	%۴۷/۵	۱۹۰۸	%۳۸/۵	۳۲۵	%۶/۶	۱۷۳	%۳/۵	۴۹۵۰	%۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار و اطلاعات وزارت علوم، پژوهش‌ها و فناوری (۱۳۷۹)

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد جامعه نمونه آماری بر حسب مرتبه علمی

مرتبه علمی	مربی		استادیار		دانشیار		استاد		جمع		دانشگاه
	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	کل	
تهران	۱۸۸	%۴۴	۱۳۵	%۳۲	۵۸	%۱۴	۴۴	%۱۰	۴۲۵	%۱۰۰	تهران
گیلان	۴۸	%۶۲	۲۹	%۳۸	-	-	-	-	۷۷	%۱۰۰	گیلان
اصفهان	۱۵۸	%۵۴	۱۰۳	%۳۵	۲۱	%۷	۱۲	%۴	۲۹۴	%۱۰۰	اصفهان
فردوسی مشهد	۱۲۲	%۵۴	۶۶	%۲۹	۱۴	%۶	۲۴	%۱۱	۲۲۶	%۱۰۰	فردوسی مشهد
جمع	۵۱۶	%۵۰/۵	۳۳۳	%۳۳/۵	۹۳	%۶/۷	۸۰	%۷/۸	۱۰۲۲	%۱۰۰	جمع

مأخذ: مرکز آمار و محاسبات هر کدام از دانشگاه‌های نمونه (۱۳۷۹)

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد دانشگاه گیلان با ۶۲ درصد، بیشترین درصد عضو هیئت علمی در مرتبه علمی مربی و دانشگاه‌های فردوسی مشهد و تهران به ترتیب با ۱۱ و ۱۰/۳ درصد، بیشترین درصد عضو هیئت علمی با مرتبه علمی استاد را دارند. ضمناً، هیچ یک از اعضای هیئت علمی دانشگاه گیلان، مرتبه دانشیاری یا استادی ندارند.

1 – Descriptiv Research

2 – Survey Research



در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است. به این ترتیب چهار دانشگاه (اصفهان، تهران، فردوسی مشهد و دانشگاه گیلان) به طور تصادفی انتخاب شده‌اند؛ سپس بر اساس روش PPS^۱ تعداد ۱۷۰ نفر از اعضای هیئت علمی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که از این میان، ۱۵۷ پرسشنامه از طرف پژوهشگران برگشت داده شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه^۲ و مصاحبه^۳ بوده است. بنابراین از آن جا که موضوع پژوهش بدیع و جدید است و پرسشنامه استاندارد شده‌ای در این زمینه وجود ندارد، با استفاده از ادبیات پژوهش و انجام مصاحبه‌های مقدماتی با تعدادی از افراد جامعه تحت بررسی و نیز با استفاده از نظر استادان مجرب دانشگاه‌ها، پرسشنامه‌ای حاوی ۴۰ پرسش بسته پاسخ از نوع مقیاس درجه‌بندی لیکرت^۴ و ۳ پرسش باز پاسخ تهیه شد و برای تعیین نواقص احتمالی و نیز تعیین پایایی، به طور تصادفی در بین ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری توزیع و جمع‌آوری شد. پایایی پرسشنامه از طریق فرمول آلفای کرونباخ^۵ ۰/۸۱ محاسبه شده است. سرانجام پرسشنامه نهایی با ۴۳ پرسش بسته پاسخ و ۲ پرسش باز پاسخ، تهیه شد. جدول شماره ۴ میزان انطباق پرسشنامه پرسشنامه با هر یک از پرسش‌های اساسی پژوهش را نشان می‌دهد. در این مقاله، برای رعایت اجمال و بررسی عمیق‌تر، تنها به بررسی مؤلفه اول پژوهش که حاوی ده گویه در پرسشنامه است، پرداخته می‌شود.

برای جمع‌آوری اطلاعات مستدل و عمیق‌تر، با هفده نفر از افراد خبره اعضای هیئت علمی چهار دانشگاه (اصفهان، تهران، فردوسی و گیلان)، مصاحبه نیمه سازمان یافته صورت گرفت و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، هم از آمار توصیفی و هم از آمار استنباطی^۶ استفاده شد. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از آزمون‌های T تک متغیره، T با دو گروه مستقل، تحلیل واریانس، آزمون توکی و آزمون فریدمن استفاده شده است.



1 – Probability Proportionate to Size

2 – Questionnaire

3 – Interview

4 – Likert

5 – Cronbachs Alpha

6 – Inferential Statistics

نتایج

پرسش اصلی پژوهش: چه نشانگرهای ارتباطی علمی فرهنگی بین دانشگاهی در توسعه همکاری و ارتباطات بین فرهنگ‌ها تأثیرگذار هستند؟

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی و درصد پاسخ پرسش‌ها مربوط به مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها

گروه‌های پژوهش	فراوانی درصد	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱. مبادله استاد بین دانشگاه‌های داخل با خارج (جهت تدریس و آموزش)	ف د	۳ ۱/۹	۴ ۲/۵	۱۷ ۱۰/۸	۵۳ ۳۳/۸	۸۰ ۵۱	۴/۲۹	۰/۹	۲۱
۲. مبادله دانشجو جهت گذراندن یک ترم تحصیلی میان دانشگاه‌های داخل با خارج	ف د	۶ ۳/۸	۱۳ ۸/۳	۴۶ ۲۹/۳	۴۹ ۳۱/۲	۴۳ ۲۷/۴	۳/۷۰	۱/۰۷	۲۹
۳. ارائه فرصت‌های مطالعاتی به استادان	ف د	۳ ۱/۹	۸ ۵/۱	۲۷ ۱۷/۲	۴۱ ۲۶/۱	۷۸ ۴۹/۷	۴/۱۶	۱/۰۱	۴۲
۴. اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارج	ف د	۶ ۳/۸	۷ ۴/۵	۳۳ ۲۱	۵۵ ۳۵	۵۶ ۳۵/۷	۳/۹۴	۱/۰۴	۲۶
۵. انجام پروژه‌های پژوهش‌های مشترک بین دانشگاه‌های داخل با خارج در زمینه‌های مختلف علمی	ف د	۲ ۱/۳	۴ ۲/۵	۲۳ ۱۴/۶	۶۱ ۳۸/۹	۶۷ ۴۲/۷	۴/۱۹	۰/۷۸	۱۲
۶. ارتباط و همکاری دانشگاه‌ها با اتحادیه بین‌المللی دانشگاه‌های جهان (IAU)	ف د	۳ ۱/۹	۱۳ ۸/۳	۳۷ ۲۳/۶	۵۴ ۳۴/۴	۵۰ ۳۱/۸	۳/۸۵	۱/۰۲	۲۷
۷. برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی دستاوردهای علمی پژوهشی در دانشگاه‌ها	ف د	۱ ۰/۶	۱۵ ۹/۶	۵۰ ۳۱/۸	۴۶ ۲۹/۳	۴۵ ۲۸/۷	۳/۷۵	۰/۹۹	۶۲
۸. برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در دانشگاه‌ها	ف د	۳ ۱/۹	۱۴ ۸/۹	۴۹ ۳۱/۲	۵۳ ۳۳/۸	۳۸ ۲۴/۹	۳/۶۹	۰/۹۹	۲۷
۹. توسعه ارتباط و همکاری بین دانشگاه‌های داخل با خارج از طریق ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی در شبکه اینترنت	ف د	—	۱۵ ۹/۶	۳۸ ۲۴/۲	۵۵ ۳۵	۴۹ ۳۱/۲	۳/۷۸	۰/۶۹	۵۲
۱۰. تقویت ارتباط و توسعه همکاری دانشگاه‌ها با سازمان علمی، فرهنگی یونسکو	ف د	۴ ۲/۵	۱۱ ۷	۴۰ ۲۵/۵	۶۳ ۴۰/۱	۳۹ ۲۴/۸	۳/۷۷	۰/۹۸	۲۶



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۱

ارتباطات
بین دانشگاهی ...

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بیشترین درصد پاسخ‌ها در سطح زیاد و خیلی زیاد، مربوط به شاخص «مبادله استاد بین دانشگاه‌های داخل با خارج (جهت تدریس و آموزش)» با ۸۴/۸٪ و «انجام پروژه‌های پژوهش‌های مشترک بین دانشگاه‌های داخل با خارج در زمینه‌های مختلف علمی» با ۸۱/۶٪ و کمترین درصد پاسخ‌ها مربوط به «برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی

دستاوردهای علمی پژوهشی در دانشگاه‌ها» با ۵۸٪ است. همچنین نمره میانگین پاسخگویان نیز بین ۳/۶۹ تا ۴/۲۹ در نوسان بوده است.

جدول شماره ۴: مقایسه میانگین نمره مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهی در توسعه همکاری و ارتباطات بین

فرهنگی با نمره ملاک

P	T	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه پژوهشی
۰/۰۰۰	۱۶/۵۷	۰/۷۰	۳/۹۲	مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهها

با توجه به این که T مشاهده شده در سطح $P \leq 0/0$ معنی دار است، بنابراین مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در سطح زیاد و خیلی زیاد در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تأثیر دارد. به علاوه، داده‌های حاصل از مصاحبه نشان داد از نظر اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان (۱۵ نفر) مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها تأثیر فوق‌العاده‌ای در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها دارد، به طوری که همه آن‌ها تأکید زیادی بر تداوم و افزایش مبادله استاد و دانشجو و انجام پروژه‌های پژوهش‌های مشترک بین دانشگاه‌ها و گسترش کمی و کیفی سطح این مبادلات داشتند. به طور مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود مبادلات دانشگاهی در حقیقت نوعی تبادل افکار، اندیشه و علم است. وی معتقد بود استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان می‌توانند به عنوان غنی‌ترین منبع نیروی انسانی، مروجان همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها معرفی شوند.

جدول شماره ۵: ترتیب امتیازات و اولویت پرسش‌های مربوط به مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها

اولویت	امتیاز	گویه‌های پژوهش
۱	۶۷۴	مبادله استاد بین دانشگاه‌های داخل با خارج (جهت تدریس و آموزش)
۲	۶۵۸	انجام پروژه‌های پژوهش‌های مشترک بین دانشگاه‌های داخل با خارج در زمینه‌های مختلف علمی
۳	۶۵۴	ارائه فرصت‌های مطالعاتی به استادان
۴	۶۱۹	اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارج
۵	۶۰۹	توسعه ارتباط و همکاری بین دانشگاه‌های داخل با خارج از طریق ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی
۶	۶۰۶	ارتباط و همکاری دانشگاه‌ها با اتحادیه بین‌المللی دانشگاه‌های جهان (IAU)
۷	۵۹۳	تقویت ارتباط و توسعه همکاری دانشگاه‌ها با سازمان علمی، فرهنگی یونسکو
۸	۵۹۰	برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی دستاوردهای علمی پژوهشی در دانشگاه‌ها
۹	۵۸۱	مبادله دانشجو جهت گذراندن یک ترم تحصیل میان دانشگاه‌های داخل با خارج
۱۰	۵۸۰	برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در دانشگاه‌ها



بررسی عوامل دموگرافیک

این بخش به مقایسه و آزمون میانگین نمرات اعضای هیئت علمی در خصوص بررسی چگونگی تأثیرگذاری مبادلات علمی استادان در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها بر حسب عوامل دموگرافیکی از قبیل جنسیت، سطح تحصیلات، مرتبه علمی، دانشگاه محل تدریس، سنوات خدمتی و دانشگاه محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی می‌پردازد. در این بررسی از آزمون‌های T تک متغیره با دو گروه مستقل، تحلیل واریانس، آزمون توکی و آزمون فریدمن استفاده شده است.

پرسش: آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی مرد و زن در تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۶: مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان مرد و زن

P	T	P	F	زن		مرد		پرسش پژوهشی
				s	\bar{X}	s	\bar{X}	
۰/۹۸۷	۰/۰۱۶	۰/۲۶۴	۱/۲۵۹	۰/۵۸۵	۳/۹۲	۰/۸۲۱	۳/۹۲	مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد T مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنی‌دار نیست، بنابراین بین نظرات زنان و مردان عضو هیئت علمی در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوتی وجود ندارد.

پرسش: آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی با توجه به مدرک تحصیلی در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۷: مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان با مدرک تحصیلی

P	T	P	F	دکتری		کارشناسی و کارشناسی ارشد		پرسش پژوهشی
				s	\bar{X}	s	\bar{X}	
۰/۸۴۰	۰/۳۳۳	۰/۴۵۶	۰/۵۵۹	۰/۶۶۹	۳/۹۱	۰/۸۷۹	۳/۹۵	مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد T مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنی‌دار نیست، بنابراین بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی،



کارشناسی ارشد و دکتری در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوتی وجود ندارد.

پرسش: آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به مرتبه علمی آنان، در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان با توجه به مرتبه علمی

P	F	P	Leven	استاد		دانشیار		استادیار		مربی		پرسش پژوهشی
				s	\bar{X}	s	\bar{X}	s	\bar{X}	s	\bar{X}	
				۰/۰۸۱	۲/۲۹	۰/۷۶۲	۰/۳۸۸	۰/۷۲۱	۳/۶۰	۰/۶۳۸	۳/۷۵	

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی استادان دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها معنی‌دار نیست، بنابراین میان پاسخگویان در مرتبه‌های علمی مختلف تفاوتی وجود ندارد.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۴

پرسش: آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به سنوات خدمت در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۹: مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان با سنوات خدمت

P	F	P	Leven	+۲۰		سال ۱۰-۲۰		کمتر از ۱۰ سال		پرسش پژوهشی
				s	\bar{X}	s	\bar{X}	s	\bar{X}	
				۰/۸۱۳	۱/۵۱	۰/۵۶۸	۰/۵۶۸	۰/۷۶۴	۳/۸۱	

نتایج جدول شماره ۹ نشان می‌دهد F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنی‌دار نیست، بنابراین بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با سنوات خدمت در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوتی وجود ندارد.

پرسش: آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی با توجه به محل اخذ آخرین مدرک

سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۷

تحصیلی در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۱۰: مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان با توجه به محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی

P	T	P	F	خارج کشور		داخل کشور		پرسش پژوهشی
				S	\bar{X}	S	\bar{X}	
۰/۹۵۳	۰/۰۵۹	۰/۳۲۱	۰/۰۰۲	۰/۶۶۵	۳/۹۲۲	۰/۷۳۴	۳/۹۲۹	مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها

نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد T مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنی‌دار نیست، بنابراین بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوتی وجود ندارد.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۵

ارتباطات
بین دانشگاهی ...

پرسش: آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی با توجه به دانشگاه محل تدریس در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد؟

جدول شماره ۱۱: مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان با توجه به دانشگاه محل تدریس

P	F	P	Leven	تهران		فردوسی مشهد		اصفهان		گیلان		پرسش پژوهشی
				S	\bar{X}	S	\bar{X}	S	\bar{X}	S	\bar{X}	
۰/۸۵۹	۱/۰۳	۰/۸۵۹	۰/۲۵۳	۰/۶۵	۳/۹۲	۰/۸۷	۳/۸۶	۰/۶۹	۴/۰۰	۰/۷۱	۳/۶۴	مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها

نتایج جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنی‌دار نیست، بنابراین بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به دانشگاه محل تدریس در خصوص تأثیرگذاری مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌ها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها تفاوتی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج جدول ۴ پژوهش، متوسط نمره مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهی



در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها ۳/۹۲ با انحراف معیار ۰/۷۰ بوده است. مقدار T محاسبه شده برای سنجش این مؤلفه نیز برابر است با ۱۶/۵۷ که در سطح $P \leq 0/0$ معنی‌دار است. بنابراین مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهی در سطح زیاد و خیلی زیاد در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها مؤثر تشخیص داده شده است. بیشترین شاخص‌های مربوط به این مؤلفه «مبادله استاد بین دانشگاه‌های داخل با خارج» با ۸۴/۸ درصد و «انجام پروژه‌های پژوهش‌های مشترک بین دانشگاه‌های داخل با خارج» با ۸۱/۶ درصد بوده است. از سوی دیگر، یافته‌های پرسشنامه با نظرات مصاحبه‌شوندگان همخوانی دارد؛ به نظر ۹۴/۱٪ مصاحبه‌شوندگان، مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاه‌های داخل با خارج، تأثیر فوق‌العاده‌ای در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها دارد.

با توجه به این که مقدار T محاسبه شده برای مقایسه نظرات پاسخگویان بر حسب جنسیت، مدرک تحصیلی و محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی (جداول ۴، ۵، ۱۰) و نیز مقدار F محاسبه شده برای مقایسه نظرات پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی، سنوات خدمت، دانشگاه محل تدریس (جداول ۸، ۹، ۱۱) از مقدار بحرانی جدول در سطح آلفای ۵ درصد کوچک‌تر بود، بنابراین بین میانگین نظرات اعضای هیئت علمی بر حسب هر یک از متغیرهای یاد شده، از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهی فی‌نفسه به حدی در تعمیق توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها مؤثر است که هیچ‌گونه تغییری از ویژگی‌های دموگرافیکی اعضای هیئت علمی منجر به کمرنگ جلوه دادن نقش مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهی در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها نشده است. به عبارت دیگر، این امر بیانگر نقش و ضرورت مبادلات علمی فرهنگی بین دانشگاهی در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌هاست.

یافته‌های مصاحبه نیز در اغلب موارد، نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها را تأیید و تکمیل می‌کنند. در این جا به چند نمونه از داده‌های حاصل از اجرای مصاحبه کی اینفورمنت^۱، اشاره می‌شود.

• بسیاری از مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد کردند پژوهشگران دانشگاه‌های ایران و خارج در پروژه‌های پژوهش‌های مشترک ملی و منطقه‌ای مشغول به کار شوند. انجام کارهای مشترک

۱ - برای دستیابی به یافته‌ها و مستندات تفصیلی این بخش رجوع شود به پژوهش نگارنده: «خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۱): دانشگاه و گفت و گوی فرهنگ‌ها. اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

علمی فرامرزی، توانایی و روحیه انجام کار گروهی را افزایش می‌دهد و حس همکاری و همگرایی بین‌المللی را تقویت می‌کند. وقتی پژوهشگرانی از دانشگاه‌های ایران با پژوهشگرانی از دیگر دانشگاه‌های جهان، همکاری علمی پژوهشی داشته باشند، پژوهشاً کشورمان از فواید جانبی آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و صنعتی بهره‌مند خواهد شد.

• افراد مصاحبه‌شونده فعالیت‌های علمی (آموزشی، پژوهشی و...) استادان دانشگاه‌ها را در توسعه همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین فرهنگ‌ها بسیار مؤثر ارزیابی کرده‌اند. از نظر مصاحبه‌شوندگان، استادان دانشگاه‌ها به عنوان غنی‌ترین منابع نیروی انسانی به لحاظ کیفی، می‌توانند با فعالیت‌های گسترده علمی (آموزشی، پژوهشی و...) خود در توسعه همکاری‌های بین‌المللی تأثیرگذار باشند.

• تحلیل یافته‌های مصاحبه، در اغلب موارد، مؤکد نقش و جایگاهی است که مبادلات دانشگاهی در ابعاد مختلف علمی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، و سیاسی در بسط و تعمیق همکاری‌های بین‌المللی و فرامرزی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها دارند.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود مدیریت دانشگاه‌ها، زمینه‌های ایجاد و گسترش مبادله استاد بین دانشگاه‌های داخل و خارج را تسهیل کنند.
۲. پیشنهاد می‌شود وزارت علوم، پژوهشات و فناوری به جای اعزام یکسویه دانشجویان ایرانی، زمینه‌ها و تمهیدات لازم را برای ایجاد و گسترش مبادلات دوسویه و متقابل دانشجویان فراهم سازد.
۳. پیشنهاد می‌شود برای بسط و نهادمند کردن همکاری‌های مشترک پژوهشی در دانشگاه‌ها، دفتر پژوهش‌های فرامرزی تأسیس شود.
۴. پیشنهاد می‌شود وزارت علوم، پژوهشات و فناوری، زمینه‌های گسترش «گردش‌های علمی» بین‌المللی و «تورهای فرهنگی» دانشجویی را فراهم آورد.
۵. پیشنهاد می‌شود وزارت علوم، پژوهشات و فناوری تمهیدات و تسهیلات لازم برای ارائه فرصت‌های مطالعاتی به استادان و پژوهشگران دانشگاه‌ها و بسط زمانی آن را فراهم و اجرا کند.
۶. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها به بسط ارتباطات و همکاری‌های علمی و فرهنگی با سازمان‌های معتبر بین‌المللی مانند یونسکو و دانشگاه ملل متحد بپردازند.
۷. پیشنهاد می‌شود مدیران دانشگاه‌ها به برگزاری نمایشگاه‌های علمی، آموزشی و پژوهشی فرامرزی اقدام کنند.



۸. پیشنهاد می‌شود وزارت علوم، پژوهشات و فناوری تمهیدات و تسهیلات لازم برای بازدیدهای علمی سیاحتی فلاسفه و اندیشمندان ایرانی از دیگر مناطق جهان و اندیشمندان و فلاسفه دیگر ملت‌ها از میراث تمدنی و فرهنگی ایران را فراهم کند.

۹. پیشنهاد می‌شود مدیریت دانشگاه‌ها، برنامه‌هایی را برای افزایش نشاط و انگیزه علمی استادان و پژوهشگران دانشگاهی برای حضور کیفی در گردهمایی‌ها و کنگره‌های علمی بین‌المللی تدارک ببینند.



دلانتی، ج. (۱۳۸۶) دانش در چالش، ترجمهٔ بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ذاکر صالحی، غ. (۱۳۸۳) دانشگاه ایرانی، تهران: انتشارات کویر.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران (۱۳۸۲) راهبرد میان مدت (۲۰۰۷ - ۲۰۰۲) یونسکو، تهران: دفتر یونسکو در ایران.

گزارش کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش برای قرن ۲۱ به یونسکو (۱۳۷۶) یادگیری گنج درون، ترجمهٔ دفتر همکاری علمی و بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، تهران: انتشارات تزکیه.

گزارش کنفرانس یونسکو (۱۳۷۸) آموزش و پرورش برای قرن ۲۱ در منطقه آسیا اقیانوس آرام، گروه مترجمان، تهران: پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت.

متقی، ا. (۱۳۷۹) آموزش عالی در ایران و جهان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

مرکز آمار و محاسبات (۱۳۸۰) دفتر آمار و محاسبات دانشگاه‌های تهران، اصفهان، گیلان و فردوسی مشهد. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۸۰) گزارش آمار آموزش عالی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

نیمروزی، ر. (۱۳۸۰) «بررسی نقش اساسی معلمان و نهاد آموزش و پرورش در گفتگوی فرهنگ‌ها»، مجموعهٔ مقالات برگزیده، اصفهان: ادارهٔ کل آموزش و پرورش.

یونسکو (۱۳۷۶) گزارش کمیسیون بین‌المللی تعلیم و تربیت برای قرن ۲۱، تهران: دفتر کمیسیون ملی یونسکو در ایران.



- Dickeson, R. C. (1999) *Prioritizing Academic Programs and Services: Reallocating Resources To Achieve Strategic Balance*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Gaff, Jerry G. (1997) *Tensions Between Tradition and Innovation*. Gaff and Ratcliff, Handbook.
- Gaff, J. & Ratcliff, J. eds. (1997) *Handbook of the Undergraduate Curriculum: A Comprehensive Guide To Purposes, Structures, Practices, and Change*, San Francisco: Jossey-Bass.
- Klein, J. T. (2004) 'Estrategias Pedagógicas y Curriculares Interdisciplinares', In Wayne State University.
- McGregor, S. L. T. , and (Eds) (2004) *The Nature of Transdisciplinary Research and Practice*, Accessed May 19, 2008 at <http://www.kon.org/hswp/archive/transdiscipl.pdf>.
- Minnich, E. (1995) *Liberal Learning and the Arts of Connection for the New Academy*. Washington D. C: Association of American Colleges and Universities.
- Nicolescu, B. (1997) *The Transdisciplinary Evolution of the University Condition for Sustainable Development*. Accessed May 11, 2008 at: <http://perso.club-internet.fr/nicol/ciret/bulletin/b12/b12c8.htm>.

Schneider, C. G. & Shoenberg, R. (1998) Contemporary Understandings of Liberal Education.

Number 1 in the Academy in Transition series Washington, D. C.: Association of American Colleges and Universities.

Turner, B. S. (1990) 'The Interdisciplinary Curriculum from Social Medicine to Postmodernism', Sociology of Health and Illness.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۰

سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۳۸۷